

## مقدمه:

کودکان در دوران کودکی به تدریج درک می کنند که چه کسی هستند و کدام هویت های گروهی برای آنان اهمیت دارد. هویت جنسیتی یکی از اولین و مهمترین راههایی است که کودکان از طریق آن خود را می شناسند و دیگران آنان را می شناسند. کودکان در سال های بین ۲ تا ۶ سالگی می آموزند که خود را پسر یا دختر بدانند؛ آنان در ضمن برای فعالیت ها، اعم از کار یا بازی و خصوصیات شخصیتی مثل پرخاشگری و ملایمت قالب های اجتماعی را می آموزند. خصوصیات مردانه و زنانه مانع الجمع نیستند. کسی که هم خصوصیات مردانه و هم زنانه را در سطحی بالا دارد دوجنسیتی خوانده می شود. در بسیاری موارد دوجنسیتی خصوصیتی انطباقی است زیرا به انسان این امکان را می دهد که فعالیت های مختلف داشته باشد (یاسایی، ۱۳۷۹).

کودکان غالباً فعالیت ها و نقش هایی را ترجیح می دهند که برای جنس خودشان پذیرفته شده است؛ البته همیشه چنین نیست. آنقدر که پسرها مجذوب فعالیت های پسرانه می شوند دخترها مجذوب فعالیت های دخترانه نمی شوند. در حقیقت، بسیاری از دختران خردسال از بازی های پسرانه لذت می برند، به خصوص در دوران دبستان. از آنجا که در بیشتر جوامع نقش مردانه موقعیتی بهتر از نقش زنانه دارد، پسران و دختران غالباً مجذوب چیزهایی می شوند که مردانه تلقی می شود. مشکل بتوان شخصی را یافت که صرفاً علائق و خصوصیات مردانه یا زنانه داشته باشد. بسیاری از افراد از هر کدام قدری می گیرند. یک پسرچه ممکن است به فوتبال علاقه داشته باشد و در عین حال وقتی که عروسکی را برمی دارد با آن با ملاحظت رفتار کند. ممکن است مستقل باشد اما از موسیقی هم لذت ببرد. به کسی که خصوصیات روان شناختی مردانه و زنانه را با هم دارد می گویند که از لحاظ روانی دوجنسیتی است. هنگامی که در اوایل سال های ۱۹۷۰ مفهوم دو جنسیتی معرفی شد بسیاری از مردم گفتند که این مفهوم معرف الگویی سالمتر از الگویابی جنسیتی سنتی است (یاسایی، ۱۳۷۹).

قبل از این زمان در دهه ۱۹۴۰ زمانه زنان برای کمک به جنگ جهتی وارد بازار کار شدند، مفهوم زیست شناختی به منزله سرنوشت ابدی به چالش طلبیده شد. در آن زمان چنین استدلال شد که کنشهای تناسلی الزاماً تعیین کننده های نقش جنسیت نیستند. این که زنان بارداری و زایمان را تجربه می کنند به این معنی نیست که زندگی آنان باید به کار در خانه و مراقبت از کودک محدود شود، و اینکه مردان توانایی بچه دار شدن را ندارند به این معنی نیست که نمی توانند نقش پرورش را به عهده بگیرند. اکنون با رشد نهضت آزادی زنان و همجنس بازان و افزایش خانواده های تک والدی و سایر ترکیبات دیگر، تغییرات بنیادی در ساختار خانواده و نقش های اجتماعی زن و مرد به وجود آمده است (گولومبوک، ترجمه شهرآرای، ۱۳۸۴).

این انعطاف پذیری در ساختار اجتماعی موجب مقاومت بیشتر فرد در برابر ناملایمات می گردد، ناملایماتی که پیامدهایی دارد و این پیامدها بستگی به تجارب کودکان دارد که می تواند به نتایجی مثبت یا منفی منجر شود. در سال های اخیر روی تغییر عوامل خطر زایی که می تواند منجر به تجارب نامناسب در کودکان گردد، تأکید شده است. هر چند که هر یک از افراد ممکن است هنگام روبرو شدن با ناملایمات عکس العمل متفاوتی را نشان دهند که این امر به سه نوع از عوامل بستگی دارد و میزان تاب آوری فرد را نشان می دهند شامل، خصوصیات شخصیتی، حمایت خانوادگی و حمایت شخصی یا ارگانی در خارج از خانواده است،

(برون<sup>۱</sup>، کمپاس<sup>۲</sup>، ۱۹۸۷، گارمزی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴، ماتسون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱، ورنر<sup>۵</sup>، اسمیت، ۱۹۸۲<sup>۶</sup>، اتوول، ۲۰۰۶). مطالعات اخیر به این نتیجه دست یافته اند، انجر<sup>۷</sup> (۲۰۰۳) که فرهنگ نیز به عنوان یک عامل تأثیر گذار در ردیف چهارم قرار دارد، در این میان نقش فرهنگ بسیار جالب توجه است زیرا نقش فرهنگ در شکل دادن به هویت و ایجاد عوامل حمایتی، در تحقیقات مختلف به اثبات رسیده است. فرهنگ می تواند منجر به عوامل مثبت و منفی در افراد گردد هم می توانند در شکل گیری تاب آوری نقش داشته باشد و هم می تواند در ایجاد خودپنداره منفی نقش مؤثری را ایفا کند (اتوول<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶).

یکی از عوامل سطوح فردی که ارتباط نزدیکی با تاب آوری دارد خودکارآمدی است، خود کارآمدی به عنوان ادراک از توانایی برای عملکرد در تکالیف و تکمیل اهداف تو سط بندورا (۱۹۹۷) مطرح گردیده است. بندورا بیان کرد که باورهای خودکارآمدی روی عمل، تلاش، پشتکار و تاب آوری در برابر ناملایمات و تحقق اهداف تأثیر می گذارد. همچنین خودکارآمدی افراد به تجارب گذشته و چگونگی ارتباط این تجارب با شخصیت آنان مرتبط می باشد. و یکی از حوزه های خودکارآمدی، خودکارآمدی ریاضی است، افرادی که در معرض پیامدهای مثبت ریاضیات باشند موجب افزایش خودکارآمدی ریاضی و افرادی که در معرض پیامدهای منفی باشند، از نظر خودکارآمدی ریاضی پایین خواهند بود، در نتیجه پیامدهای مثبت باعث شکل گیری توانایی شخصی می شود (هال<sup>۹</sup>، ۲۰۰۲).

بنابراین امروزه تنها روی عوامل فردی یا اجتماعی به تنهایی یا داشتن خصوصیتی ویژه، برای رسیدن به کامیابی تأکید نمی کنند و عوامل درونی و بیرونی را در ارتباط متقابل با هم در نظر می گیرند. یعنی با داشتن خصوصیتی شخصیتی مثل آندروژنی و داشتن عوامل حمایتی در سطح فردی و اجتماعی و فرهنگی و باور داشتن به خود برای دست یافتن به موفقیت و فائق آمدن بر چالش ها و سختی ها، می توان انتظار فردی سالم در کنار خانواده ای سالم و به همین نسبت جامعه ای سالم را داشت. به همین خاطر پژوهش حاضر در این راستا به بررسی و مطالعه این خصوصیات مثبت در میان دانش آموزان نوجوان پرداخته است به این امید که بتواند گوشه ای از ابهامات موجود را برطرف کند و گامی مثبت برداشته شود.

## بیان مسأله:

جنسیت کودک از همان ابتدای امر موجب شکل گرفتن هویت نقش جنسیتی می شود یعنی حس زن یا مرد بودن، و اینکه علایق، شخصیت و رفتار فرد با تعاریف او از زنانگی و مردانگی همخوان است (پاسایی، ۱۳۷۹).

مردانگی و زنانگی به یک مجموعه از خصوصیات اشاره دارد که اساساً با هر یک از جنس ها تداعی می شود و باعث ایجاد تفاوت از جنسی به جنس دیگر می شود. به طور سنتی، زنانگی و مردانگی به عنوان دو قطب

<sup>1</sup> Brown

<sup>2</sup> Compas

<sup>3</sup> Garnezy

<sup>4</sup> Matson

<sup>5</sup> Werner

<sup>6</sup> Smith

<sup>7</sup> Ungar

<sup>8</sup> Atwool

<sup>9</sup> Hall

مخالف و حوزه های مناسب یک جنس تلقی می شوند. ولی حضور هر دو صفت در یک جنس جزء دیدگاه جایگزین است و مردانگی و زنانگی را همراه با هم می آورد، که با عنوان آندروژنی، راهی جدید برای مفهومی ساختن جایگزین های نقش جنسی مردانه و زنانه است (کوک، ۱۹۸۵).

فردی که دارای نگرش و رفتار اجتماع پسند زنانه و مردانه با هم باشد دو جنسیتی «آندروژنی» گفته می شود. در واقع واژه آندروژنی یونانی است و از دو بخش «آندرو» یعنی مرد و «ژنی» یعنی زن تشکیل می شود که همان معنای دوجنسیتی را در خود دارد (گولومبوک، ترجمه شهرآرای، ۱۳۸۴).

بر اساس پژوهش های انجام شده مشخص شده است که افراد آندروژنی از انعطاف پذیری، محبوبیت اجتماعی، سازگاری در زندگی زنا شویی، اعتماد به نفس بالا و سلامت روان بی شتری برخوردارند (آلدورا<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۸).

بر اساس دیگر مطالعات این افراد هویت کامل تری دارند و در ارتباطات اجتماعی و روابط عاشقانه از انعطاف بیشتری برخوردارند. کودکان با داشتن حتی یک والد آندروژنی از احساس صمیمیت، حمایت اجتماعی، پیشرفت تحصیلی و رشد خودادراکی بالای برخوردارند (ویکی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۵).

جنبه دیگری از ویژگی شخصیتی که رابطه نزدیکی با سلامت روان و ارتقای کیفیت زندگی دارد، تاب آوری است. تاب آوری نوعی قدرت پایداری و استقامت در زمان تغییرات و حوادث استرس زای زندگی است. افراد تاب آور تغییر و تحول را به صورت چالشی که کمتر تهدید آمیز است درک می کنند (چپمن<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۵).

در واقع تاب آوری چارچوبی را فراهم می کند برای درک روش های گوناگونی که برخی از افراد در مواقع گرفتاری و سختی در عالم واقع به کار می گیرند. تاب آوری فقط با ویژگی های شخصیتی افراد ارتباط ندارد بلکه از فرایندها و کنش های متقابل برخاسته از خانواده و جامعه متأثر می باشد (سکون، ۲۰۰۶، به نقل از راتر، ۲۰۰۷).

تاب آوری با واژه های سخت رویی، ابتکار و هوش هیجانی رابطه نزدیکی دارد در واقع با داشتن این خصوصیات فرد در هنگام روبرو شدن با شرایط خطرآفرین به جای آسیب، انطباق و سازگاری را کسب می کند و تحت شرایط استرس زا پایداری و بهبود پس از حادثه را تجربه می کند.

علاوه بر فرد خانواده و جامعه نیز در هنگام گرفتاری و مشکلات باید به عنوان عوامل مهم به تاب آوری فرد کمک کنند یعنی اینکه با برانگیختن خودکارآمدی در او، توانایی پویا برای تغییر سطح خودکنترلی، در دست گرفتن جهت زندگی، و فعال بودن در بافت محیطی را پرورش دهند (بندورا، ۱۹۹۷، به نقل از میرسمیعی، ۱۳۸۵).

خودکارآمدی مفهومی است که در همه زمینه ها کاربرد دارد، اما حوزه های تحصیلی زمینه مناسب تری برای مطالعه به شمار می روند. البته در حوزه تحصیلی نیز می توانیم خودکارآمدی را به حوزه های مختلف تحصیلی تقسیم بندی کنیم مانند (علوم، ریاضیات، زبان شناسی، تاریخ، ادبیات و هنر). اما طبیعت خاص ریاضی و اهمیت ویژه آن باعث شده است که خودکارآمدی ریاضی یکی از مهمترین انواع خودکارآمدی به شمار آید چنانچه تحقیقات بر روی این حیطة گویای این موضوع می باشد.

<sup>10</sup> Aldora

<sup>11</sup> Wiki

<sup>12</sup> Chapman

از نظر مفهومی خودکارآمدی ریاضی اطمینان فرد را در حیطه ریاضی نشان می دهد، در واقع خودکارآمدی ریاضی عبارت است از برداشت ها، ادراک ها و توانایی های فرد برای یادگیری و انجام تکالیف ریاضی (رایس، ۱۹۸۴، به نقل از مدرکی، ۱۳۸۷).

خودکارآمدی می تواند بر انتخاب تکالیف دانش آموز، گسترش تلاش، پایداری و پیشرفت وی اثر گذارد (بندورا، ۲۰۰۱، پنتریچ و شانک، ۲۰۰۲). دانش آموزان با خودکارآمدی بالا، در مقایسه با دانش آموزانی که نسبت به توانایی های یادگیری شان شک دارند، برای کسب یک مهارت یا انجام دادن یک تکلیف، با سرعت بیشتری شرکت می کنند، سخت تر کار می کنند، در مواجهه با مشکل، مدت زمان بیشتری مقاومت می کنند و به سطح پیشرفت بالا تری می رسند (بیابانگرد، ۱۳۸۴).

بنابراین با توجه به مطالب گفته شده، هم جنبه های شخصیتی و شناختی و هم جنبه های اجتماعی و آموختنی و همچنین قضاوت هایی که فرد در مورد توانایی های خودش دارد، گستره زندگی او را مشخص می کند و روی جریان های فکری، انتخاب فعالیت ها، میزان پیشرفت و سلامت عمومی تأثیرات طولانی مدتی بر جای می گذارد. بر این اساس پرسش هایی مطرح می گردند:

- ۱) آیا نقش های جنسیتی بر تاب آوری مؤثر است؟
- ۲) آیا نقش های جنسیتی بر خودکارآمدی ریاضی مؤثر است؟
- ۳) آیا نقش جنسیتی در تعامل با جنسیت بر تاب آوری مؤثر است؟
- ۴) آیا نقش جنسیتی در تعامل با جنسیت بر خودکارآمدی ریاضی مؤثر است؟
- ۵) آیا بین خودکارآمدی ریاضی و تاب آوری در دختران و پسران از نظر ضریب همبستگی، تفاوت وجود دارد؟

## اهداف:

هدف کلی این تحقیق بررسی رابطه نقش های جنسیتی بر تاب آوری و خودکارآمدی ریاضی است.

پنج هدف اصلی این تحقیق عبارتند از:

- ۱- مقایسه افراد در نقش های جنسیتی آندروژن و غیره آندروژن (مردانه، زنانه، سایر) با تاب آوری و بررسی رابطه آنها است.
- ۲- مقایسه افراد در نقش های جنسیتی آندروژن و غیره آندروژن (مردانه، زنانه، سایر) با خودکارآمدی ریاضی و بررسی رابطه آنها است.
- ۳- مقایسه نقش های جنسیتی در دختران و پسران و بررسی رابطه آن در ارتباط با تاب آوری است.
- ۴- مقایسه نقش های جنسیتی در دختران و پسران و بررسی رابطه آن در ارتباط با خودکارآمدی ریاضی است.
- ۵- مقایسه خودکارآمدی ریاضی و تاب آوری در دختران و پسران و بررسی تفاوت ضریب همبستگی در میان آنان در ارتباط با این دو متغیر است.